


تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

 [www.ToranjBook.Net](http://www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)

◆ نوشته زیر را بخوانید و ساختار آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند یا دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما بپرسند چند زبان داریم؟ جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما یا کمی تأمل، درمی‌یابیم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و با دیگران سخن بگوییم.

ما افزون بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش حسرت نگران می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

هنگامی که موبصر کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ساکت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم، پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکت سر، چشم، ابرو و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

بند مقدمه

بند بدنه

بند نتیجه

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصش گرفت.

جملهٔ الف، درست است؛ در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست. مگر در گفت‌وگوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می شه، می پرسه چه خبره؟

..... هر کس وارد شهر میشود میپرسد چه خبر است؟

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی تونی سبب تغییر دیگران بشی.

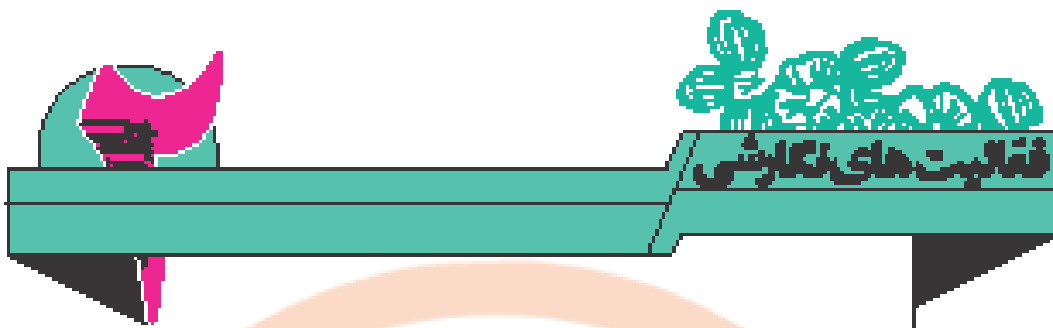
تا... خودت... و... تغییر... ندی... نمیتوانی... سبب... تغییر... دیگران... شوی

# تلاشی در مسیر موفقیت

درس دوم

نزدیج بیولک

تلاشی در مسیر موفقیت



◆ نوشته زیر را بخوانید و ویژگی های هر بخش را مشخص کنید.

### نقشه داریم برای آینده

من برای آینده، نقشه‌هایی زوادی داشتم که دام می‌خواست آنها را مویه مو اجرا کنم.

پند مقدمه

دام می‌خواست در آینده، متخصص بدن انسان شوم؛ اما برادرم به من گفت: چون تو خوش خط هستی، پس نمی‌توانی دکتر شوی. تازه، خیلی از دکترها، دکتری را ول کرده‌اند و رفته‌اند سراغ ساختمان‌سازی!

بعد، ما تصمیم گرفتیم که مهندس بشویم تا ساختمان‌های محکم‌تری بسازیم و پولدار شویم؛ ولی دیدم برادر بزرگم که خودش چند سال است مهندس شده، هنوز پولدار نشده است؛ تازه او به من گفت: این روزها هر پاره آجری را که پلند کنی یک مهندس از زیرش بیرون می‌آید.

من، خلیا شدن را هم خیلی دوست داشتم. هنگامی که برادران «رایته» مرفق شدند، پرواز کنند، من در پرست خرد نمی‌گنجیدم؛ اما الآن هر وقت اخبار را گوش می‌دهم، یکم دراپید اسقرط می‌کند و همیشه هم مقصر اصلی، خلیا است و من نمی‌دانم چرا اسم خیلی از این خلیاها «دور بارافه» است. ما چون به فوتبال هم علاقه‌مند هستیم و دوست داریم یک روز به «هرنامه» نوده برویم و بین صفر تا یک میلیون، چند تا عدد انتخاب کنیم، تصمیم گرفتیم داور شویم، زیرا داورها یا سوت همه کار می‌کنند؛ اما چند وقت پیش، شنیدم که نه‌لشاجران در ورزشگاه به داور بدویی راه گفتند و داور هم قرمز شد.

پند

بعد، مصمم شدیم که نویسنده بشویم؛ ولی در یک جایی خواندم اگر شکار اکاک شغل شد، نویسنده‌گی هم شغل می‌شود.

ما دیگر خسته شده بودیم و نمی‌دانستیم، برای آینده خود چه نقشه‌هایی بکشیم. دوباره رفتیم سراغ برادرمان و با او مشورت کردیم. او گفت: نمی‌دانم؛ اما سعی کن کاری را انتخاب کنی که همیشه تک‌باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما تصمیم گرفتیم از میان این همه شغل، هست به انتخاب بزنیم و رئیس‌جمهوری شویم.

نتیجه

◆ صدقش شهبازی / مدرسه کورج آبگرم فزون / با تلخیص و اندکی تغییر / نقل از مجله «انشا و نویسندگی»

الف) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از او خواست، نوشته‌اش را بخواند.  
 بی) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از آن خواست، نوشته‌اش را بخواند.  
 جمله الف درست است. ضمیر «آن» معمولاً برای اشیا به کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌آید، مانند دانش‌آموزان امروز به مدرسه نیامدند، آنها به گردش علمی رفتند.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ مری، دستیارش را صدا زد از آن خواست، بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

مری، دستیارش را صدا زد و از او خواست بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

◆ این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

این دوچرخه را دوست دارم زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

# نکته بولد

## تلاشی در مسیر موفقیت

درس سوم

نزدیجے بیولک

تلاشی درمسیر موفقیت

◆ نوشته زیر را بخوانید و موضوع کلی و ریز موضوع های آن را با رسم نمودار نشان دهید.

در دنیا عجایب و شگفتی های زیادی وجود دارد. یکی از شگفتی های جهان خلقت، جانوران هستند. جانوران، گونه های مختلفی دارند.

مقدمه

پرنده گان، جانورانی هستند که پرواز می کنند. پر و بال برای پرنده گان، مهم ترین عضو است. پرها اگرچه ظریف اند، قوی نیز هستند. پر و بال پرنده گان که در زمان پرواز گسترده می شوند، در زمان سرما، اجزای گرم و پوشنده و در وقت خطر سپری برای مخفی شدن پرنده است. برخی از پرنده گان، مثل تیر پرواز می کنند. بعضی دیگر به راحتی تغییر جهت می دهند و عده ای نیز در آب، شیرجه می زنند. شتر مرغ، بزرگ ترین پرنده است و نمی تواند پرواز کند و مرغ مگس خوار به اندازه سر انگشت است و کوچک ترین پرنده جهان است.

بدنه متن

خرندگان هم موجودات عجیبی هستند. آنها به روی زمین می خزند. بدنشان فلس دارد و بعداً تخم می گذارند. بزرگ ترین خزنده، «تمساح»، به طول هفت متر و کوچک ترین آنها، مارمولک خانگی است که تنها ۱۸ میلی متر طول دارد. آبیژان، به جای زندگی در خشکی، در آب زندگی می کنند. آنها به جای شش، آبشش دارند؛ به همین خاطر می توانند در زیر آب نفس بکشند. ماهی ها یکی از انواع این آبیژان هستند.

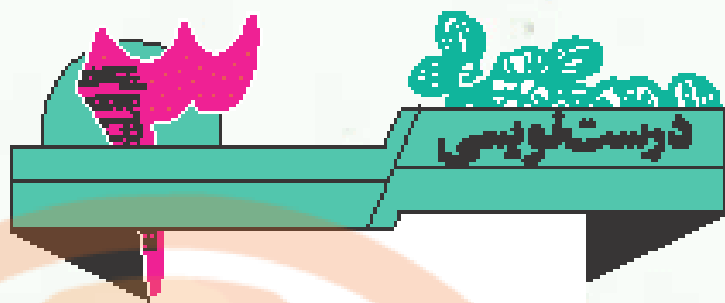
دوزستان، جانورانی هستند که قادرند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند. آنها در نوزادی ابتدا آبشش دارند؛ اما به تدریج یا رشد کردن، صاحب یک جفت شش می شوند و در خشکی، نفس می کشند.

این گونه گونی و شگفتی خلقت جانوران، یکی از نشانه های قدرت خداوند است و برای ما درس ها و حکمت های زیادی دارد.

پند نتیجه

◆ مولفان





♦ الف) من و حسن به کتابخانه عمومی شهر رفته‌یم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردیم. روز بعد، من یا معلم و دانش‌آموزان، به کتابخانه عمومی رفته‌یم.

♦ ب) من و حسن به کتابخانه عمومی شهر رفته‌یم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردم. روز بعد، من یا معلم و دانش‌آموزان، به کتابخانه عمومی رفته‌یم. جمله الف درست است.

- برای «نهاد مفرد»، فعل به صورت «مفرد» آید: من به مدرسه رفته‌یم.

- برای «نهاد جمع» فعل به صورت «جمع» می‌آید (ما به مدرسه رفته‌یم).

- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد و بین آنها «و» بیاید، فعل به صورت «جمع» می‌آید: من و حسن به مدرسه رفته‌یم.

- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد» و بین آنها «یا» بیاید، فعل یا کلمه فعل از «یا» هماهنگ است: من یا حسن به مدرسه رفته‌یم؛ ما یا حسن به مدرسه رفته‌یم؛ من یا دانش‌آموزان به مدرسه رفته‌یم؛ دانش‌آموزان یا من به مدرسه آمدند.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ پروانه، در میان گل‌ها چرخیدند؟

..... پروانه در میان گلها چرخید.

♦ ملکه یا زنبورهای عدل به سمت باغ گل‌ها پرواز کردند.

..... ملکه با زنبورهای عدل به سمت باغ گلها پرواز کرد.

♦ دانش‌آموز و معلم، در کلاس مهارت‌های نوشتاری، می‌نوشت.

..... دانش‌آموز و معلم در کلاس مهارت‌های نوشتاری می‌نوشتند.

# درس چہارم

ننانجہ بیولک

تلاشی درمسیر موفقیت

◆ نوشته زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز! یعنی روز نو، روز گارانو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

معنی

درختان از نو، شکوفه و برگ می‌کنند و از نو میوه می‌دهند. چشمه‌های زیادی از کوه، سر از زیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.

زنده شدن طبیعت

در نوروز همه سعی می‌کنند، نو و تازه‌تر به نظر بیایند. خانه‌ها، لباس نو، پول نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و ...

نو شدن ظاهر و پوشش

مادران، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند، و همه چیز را برق می‌اندازد.

نظافت و خا

بایا هم دست به نوآوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک یا عطر را عوض می‌کند و یکی دو تا نوال یا گل رز هم می‌کارد.

نگارنی

خرید

بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشند؛ از یزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جاهای نو و تازه را می‌بینند.

عید و عیدی

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سبهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید...» شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه‌نگارنی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

چشم‌ها را نگاه و اعیبه

● مراقبان

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زیانم مو در آورد».

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم».

جملهٔ ردیف اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «به قول معروف» یک سخن معروف و شناخته شده‌ای، قرار گرفته است؛ اما در جملهٔ ردیف دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشته‌ای عبارت «به قول معروف» را به کار ببریم؛ باید پس از آن حتماً سخن معروف، یعنی مشهور، مثلی رایج و... ذکر کنیم مانند:

◆ برای آمدن تو آن قدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف سبز شد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ وقتی دو میسر در یک کلاس باشند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

وقتی دو میسر در... بپکند... کلاس... باشند... به... قول... معروف...!! خوب دانشا... خریکند... لقا!

نیکوچند "

◆ از پس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

از پس که آن... مجلس... طولانی... شد... به... قول... معروف...!! حاضر... زیر... پا... سبز... شد!"

# درس پنجم

نزدیک بیولوژی

تلاشی در مسیر موفقیت

## فعالیت‌های نگارشی

◆ پس از خواندن بند زیر، جمله موضوع و جمله‌های کامل‌کننده را مشخص کنید.

سخن گفتن در برابر جمع، برای خیلی‌ها با هیجان و هراس، همراه است.

جمله موضوع

ریشه این هیجان و هراس، در دوران کودکی این افراد، نهفته است. این هیجان و هراس، با آنها به دنیا نیامده است. این گونه، یاد گرفته‌اند یا از دیگران به آنها منتقل شده است. روان‌شناسان می‌گویند: «بیشتر مشکلات در بزرگسالی، به دوران کودکی برمی‌گردد». اگر این سخن روان‌شناسان درست باشد، پس هیجان و هراس، از سخن گفتن در برابر جمع هم، به تربیت و آموزش دوران کودکی ما برمی‌گردد.

جمله کامل‌کننده

◆ مؤلفان

# نزدیک به بوک

## تلاشی در مسیر موفقیت

◆ الف) کتابخانه‌ام را مرتب کردم. کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم، توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه کردم.

◆ ب) کتابخانه‌ام را مرتب کردم و کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم و توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه دادم.

جمله الف درست است. در جمله ب از «واو» ربط (حرف پیوند میان جمله‌ها) استفاده بی جا و بی‌رویه شده است.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ مادرم خانه را تر تمیز کرد و فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

مادرم خانه را تر تمیز کرد. فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

◆ بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توپ دوید و بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت زد و به دروازه نزدیک شد و گل زد.

بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توپ دوید. بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت به دروازه نزدیک شد و گل زد.

تلاشی در مسیر موفقیت

# درس ششم

نزدیک بیولوژی

تلاشی در مسیر موفقیت



الف) بازی برای کودکان، لذت بخش تر از خوردن آب و غذا است. کودکان، وقتی در شور و شادی بازی غرق می‌شوند، غذا خوردن را فراموش می‌کنند. بیشتر مادران برای خوراندن غذا به کودکان خود، به زحمت می‌افتند؛ اما هرگز پیش نمی‌آید، مادری برای تشویق کودک به بازی، به زحمت بیفتد. کودکان هنگام غذا خوردن، به سراغ بازی می‌روند؛ وای هنگام بازی، معمولاً دنبال غذا نمی‌روند.

موضوع بند: ..... اهمیتینه، بازی، برای، کودکان.....

جمله موضوع: بازی، برای، کودکان، لذت بخش، تر از، خوردن، آب و غذا است.

ب) کتاب‌ها، مثل آدم‌ها هستند. بعضی از کتاب‌ها ساده‌اند و ایس می‌پوشند و بعضی، ایس‌های عجیب و غریب و رنگارنگ دارند. بعضی از کتاب‌ها برای ما قصه می‌گویند تا بخوانیم و بعضی قصه می‌گویند تا بیدار شویم. بعضی از کتاب‌ها شاگرد اول می‌شوند و جایزه می‌گیرند؛ بعضی مردود می‌شوند و بعضی تجدید؛ بعضی از کتاب‌ها نقل می‌کنند... بعضی از کتاب‌ها برحرف‌اند وای حرفی برای گفتن ندارند و بعضی ساکت و آرام‌اند وای یک عالم، حرف گفتنی در دل دارند... (بی‌وال پریدن)

موضوع بند: ..... هسته، جمله، کتابها.....

جمله موضوع: ..... کتابها، مثل، آدمها، هستند.....

الف) صبح زود از خانه بیرون می روم. وقتی به مدرسه می رسم، یابای مدرسه را می بینم که تازه در مدرسه را باز می کند.

ب) صبح زود از خانه بیرون می روم. وقتی به مدرسه رسیدم، یابای مدرسه را می بینم که تازه در مدرسه را باز می کند.

جمله الف درست است. زیرا همه فعل ها در زمان «حال» جریان دارند. هنگام نوشتن باید به زمان فعل ها توجه داشت. چرخش فعل ها از زمان حال به زمان گذشته و برعکس، نوشته را پیچیده و خواننده را سردرگم می کند.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

◆ دوچرخه سواری در روزهای یا صفای اردیبهشت، لذتیر بود. دوچرخه هم انگار خوشش می آید. بهتر می رفت.

دوچرخه سواری در روزهای ناصفای اردیبهشت لذتیر ا  
دوچرخه هم انگار خوشش می آید. بهتر می رود.

◆ گل را از روی شاخه می چیدم، یو می کشم: اما مثل همیشه از بوی آن لذت نمی بردم.

گل را از روی شاخه پیچیدم. یو می کشم. اما مثل  
همیشه از بوی آن لذت نمی بردم.

# درس هفتم

نزدیج بیولک

تلاشی در مسیر موفقیت

## فعالیت‌های نگارشی

◆ ابتدا موضوعی برای متن زیر، تعیین کنید، سپس برای هر بخش، پرسش‌هایی متناسب، طرح کنید.

سهراب سهری از شاعران معاصر است که در ۱۵ مهر ماه ۱۳۰۷ در کاشان به دنیا آمد. پدرش «سداقه» و مادرش «ماه جبین» نام داشت و هر دو اهل هنر و شعر بودند.

سهری دوره ابتدایی و دبیرستان را در کاشان به پایان رساند و پس از فارغ‌التحصیلی از دانش‌سرای مقدماتی به استخدام اداره فرهنگ کاشان درآمد. سپس به تهران آمد و در دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد.

سهراب در زمینه شعر، آثار ارزشمندی را پدید آورد. شعرهایش بسیار لطیف و پر از احساس و عاطفه است. مجموعه شعر «حشت کباب»، اثر معروف اوست.

وی به فرهنگ مشرق زمین علاقه خاصی داشت و به هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین سفر کرد.

سهری، اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران درگذشت. آرامگاهش در اردمال کاشان است.

◆ موضوع: .....

◆ پرسش‌ها:

- ◆ در... چه... نارنجی... در... چه... مگن... پدیا... آمده... است...؟
- ◆ تحصیلات... دوره‌های... هفت... وی... در... کجا... و... چگونه... بوده... است...؟
- ◆ علایق... وی... چه... بوده... و... آثار... وی... دارای... چه... ویژگی... هایی... است...؟
- ◆ در... چه... تاریخی... از... دنیا... رفت... و... محل... آرامگاه... او... کجاست...؟

## درست نویسی

الف) نام، نشان ماست، نام من فریده هج است و دارم برایت نامه می نویسم.

ب) نام نشان ماست، نامه من فریدون است و دارم برایت نامه می نویسم.

جمله الف درست است. به کارگیری نشانه «ه» در دومین جمله ردیف «ب» در کلمه «نامه» نادرست است. آنچه در این جمله از این کلمه تلفظ و شنیده می شود، صدای ( ه ) است.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

◆ سوار از راه رسید، سواره بر اسب؛ او پیاده بود و ما سواره.

.....سوار...از...داده...رسیده...سوار...چون...ما...سواره

◆ کار جوهر انسان است. کاره من خواندن و نوشتن است؛ من همه کاره نیستم.

نشان...است...کار...خواندن...نوشتن...است...من...همه کاره...نیستم

# تلاشی در مسیر موفقیت

# درس هشتم

نزدیک بیولوژی

تلاشی در مسیر موفقیت

شجاعت این است که انسان در موقع ازوم در برابر حوادث و مخاطرات و رنج‌ها و مشقت‌ها ایستادگی کند. شجاعت، ترسیدن نیست. مثلاً آن کس که با کمال بی پروایی در کوچه و خیابان مرتکب حرکات شرم آور می‌شود، شجاع خوانده نمی‌شود.

شجاع، کسی است که از مرگ و خطر و عواقب کارهای بد بترسد؛ ولی در موقع ترس، خود را نیازد و دست و پای خود را گم نکند. فرماندهی که در زیر آتش توپ‌خانه دشمن بر جان خود می‌ترسد؛ یا وجود آن، ناب می‌آورد و وظیفه خود را انجام می‌دهد. فرد شجاعی است. حتی زمانی که با زیردستی و مهارت، عقب نشینی می‌کند، شجاع است. وقتی یابد او را ترسو خواند که در مقابل دشمن، عقل خود را از ترس گم کند و به کاری دست یزند که به زودن لشکر رانش تمام شود.

شجاعت فقط شجاع بودن در میدان جنگ نیست. یکی از شجاعت‌ها، شجاعت اخلاقی است. شجاعت اخلاقی آن است که انسان، نظر و عقیده درست خود را با جرئت، بیان کند و در بیان حقیقت از هیچ چیز و هیچ کس حراس نداشته باشد.

شجاعت یکی از خصلت‌های نیکوی انسان است. شجاعت به انسان، نیرو، اعتماد و دایری می‌بخشد. جامعه‌ای که افراد آن شجاع باشند؛ مرکز در برابر دشمنان، تسلیم زور و ستم نمی‌شوند و از حق خود به خوبی دفاع می‌کنند.

◆ احمد بهمنیار، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۶۲، با کاهش و تغییر

◆ موضوع:

◆ پرسش‌ها:

- ◆ ..... شجاعت، یعنی چه.....؟
- ◆ ..... شجاع چه کسی است؟
- ◆ ..... شجاعت چند نوع است؟
- ◆ ..... شجاعت در انسان چه اثرهایی می‌گذارد؟

## درس نویسی

الف) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتند.  
ب) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتن.

جمله الف درست است. می دانیم که «مصدر» یا «عمل» تفاوت دارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می کند و معمولاً در پایان جمله ها قرار می گیرد؛ اما مصدر این ویژگی ها را ندارد.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

◆ گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن.

..... گفتن و نوشتن جدا از هم نیستند

◆ آنها هم برای خودشان عقیده هایی داشتن.

..... آنها هم برای خودشان عقیده هایی دارند

# تلاشی در مسیر موفقیت




تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

 [www.ToranjBook.Net](http://www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)